

## سیاست هند در افغانستان

دکتر اسماعیل شفیع\*

سرزمین و مردم افغانستان از زمانهای گذشته دارای ارتباط نزدیک با مردم شبه‌قاره هند بوده‌اند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که در درهٔ سند تمدن بزرگی وجود داشته است. با ورود مهاجران از آسیای مرکزی و عبور از تنگه‌های کوههای هندوکش، آنها به منطقهٔ جلگه‌ای شبه‌قارهٔ هند، که بقایای تمدن درهٔ سند در آنجا بود، وارد شدند و در آنجا سکنی گزیدند. تنگهٔ خیبر که امروزه در پاکستان واقع شده، گذرگاه ورود مهاجران جدید، که بعدها جمعیت هند را تشکیل دادند، بوده است. بنابراین افغانستان یکی از دروازه‌های ورود به شبه‌قارهٔ هند بوده است که در طول تاریخ مهاجمان و مهاجران را به درون شبه‌قارهٔ هند پذیرفت و تعامل و پیوندی دیرینه بین مردم این منطقه به وجود آورد. از قرن دوازدهم به بعد، این مهاجران شمال هند را به تصرف خود درآوردند و حکومت سلاطین ترک و افغان را در شمال هند پایه‌گذاری کردند که مهم‌ترین آنها سلسله‌های خلجی، تغلق‌ها و لودی‌ها بودند. پس از سلسله‌های ترک و افغان از سال

---

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.

1. For details see: Vincent A, Smith and Percival Spear ed. *The Oxford History of India*. New Delhi, OUP, 958.

۱۵۲۵ مغولان هند از مناطق شمالی افغانستان و آسیای مرکزی بر سر کار آمدند که بیش از دو قرن بر هندوستان حکومت کردند و اثرات عمیقی بر زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم شبه‌قاره هند گذاشتند. با تقسیم شبه‌قاره هند به دو کشور مستقل هند و پاکستان و خروج بریتانیا از هندوستان، ارتباط مردم شبه‌قاره هند با افغانستان حفظ شد و این ارتباط به علت روابط همراه با فراز و نشیب افغانستان و پاکستان گسترده‌تر گردید. خروج اتحاد شوروی از افغانستان آغاز دوره جدیدی در روابط هند و افغانستان گردید. دولت هند، با توجه به مصالح خود، حکومت نجیب‌الله در کابل را حکومتی مناسب می‌دانست. اما در نتیجه فروپاشی اتحاد شوروی و پاره‌ای از عوامل دیگر، این حکومت نتوانست بیش از چهار سال دوام داشته باشد و به دست مجاهدین سرنگون گردید. با ناتوانی حکومت مجاهدین در افغانستان و بی‌ثباتی آن، زمینه روی کار آمدن طالبان در افغانستان فراهم شد. منظور از این مقاله بررسی سیاست هند در افغانستان پس از روی کار آمدن و سقوط طالبان است.

### روی کار آمدن طالبان در افغانستان و تأثیر آن بر هندوستان

با سقوط حکومت نجیب‌الله در آوریل ۱۹۹۲ حکومت مجاهدین بر سر کار آمد. دولت هند گرچه از روی کار آمدن حکومتی با گرایش اسلامی چندان راضی نبود اما از دولت برهان‌الدین ربانی پشتیبانی کرد. اما این حکومت به علت اینکه متشکل از گروه‌های مختلف با گرایش‌های گوناگون بود نتوانست دوام زیادی بیاورد و با بروز اختلافات بسیار بین گروه‌های جهادی کشمکش‌های سختی بین آنها بروز کرد. این اختلافات به قدری بالا گرفت که موجب بی‌ثباتی در افغانستان گردید. برای مثال در پرتاب موشک و گلوله‌باران‌های مختلف از سوی گروه حکمتیار شهر کابل دچار آسیب‌های شدیدی شد. به همین ترتیب، بین گروه‌های دیگر بر سر تقسیم قدرت اختلاف وجود داشت و این امر مانع تشکیل و بقای یک حکومت وحدت ملی گردید. به دنبال این تحولات، گروه طالبان، که در ابتدا قسمتهایی از جنوب افغانستان را در کنترل خود داشت، به تدریج دامنه سرزمین‌های زیرکنترل خود را گسترش داد و سرانجام با فتح کابل قدرت را در افغانستان به دست گرفت. روی کار آمدن حکومت طالبان در نتیجه پشتیبانی مستقیم

پاکستان، ایالات متحده و عربستان بود. به طوری که می‌دانیم، این حکومت بلافاصله از سوی پاکستان و عربستان به رسمیت شناخته شد. این امر نقطه اوج سیاست‌هایی بود که در دراز مدت توسط پاکستان و عربستان و کمک‌های مالی آمریکا پایه‌گذاری گردیده بود. پاکستان تحت حکومت ضیاءالحق، که از زمان حمله اتحاد شوروی به خاک افغانستان در سال ۱۹۷۹ به عنوان کانال توزیع و کمک‌رسانی انتخاب گردیده بود، نقش فعالانه‌ای در سازماندهی، هماهنگی و آموزش مجاهدین افغان بر ضد اتحاد جماهیر شوروی به عهده گرفت. این فعالیتها در بحبوحه جنگ سرد بین شوروی و آمریکا از حجم و ابعاد گسترده‌ای برخوردار بود. این کشور با پشتیبانی غرب و بعضی از کشورهای مسلمان و عربی زمینه پرورش، سازماندهی و دادن آموزشهای ایدئولوژیک در مدارس مذهبی که تعداد آنها ناگهان به طور فوق‌العاده‌ای افزایش یافته بود، فراهم کرد. با روی کار آمدن دولت مجاهدین در کابل و حضور عناصری در این دولت، که روابط صمیمانه‌ای با پاکستان نداشتند، این کشور تصمیم گرفت گروه طالبان را بر سر کار بیاورد، گروهی که متشکل از گروههای متعصب پشتو بود که در مدارس مذهبی دئوبندی تحصیل کرده بودند. هدف پاکستان از این امر روی کار آوردن حکومتی دست‌نشانده خود بود که دیگر هیچ‌گاه مشکلات ارضی خود را با پاکستان مطرح نکند و برای این کشور تهدیدی به وجود نیارد و در ضمن در ارتباط با رقیب پاکستان، یعنی هند، عمق استراتژیک داشته باشد.

روی کار آمدن طالبان در افغانستان به کمک بسیار مؤثر سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی‌اس‌ای) دارای پیامدهای نامطلوب امنیتی برای هند بود. پس از مدتی کوتاه، سفارت هندوستان در کابل بسته شد و روابط سیاسی با حکومت طالبان قطع گردید؛ زیرا دولت هند گروه طالبان را به عنوان حکومت رسمی افغانستان به رسمیت نمی‌شناخت. علاوه بر این، گسترش ایدئولوژی طالبان را خطری برای امنیت خود تلقی می‌کرد. گسترش طرز تفکر طالبان به منطقه جامو و کشمیر هندوستان برای امنیت و وحدت این کشور بسیار خطرناک می‌باشد. دولت هند از سال ۱۹۸۷ در این ایالت با ناآرامی و نارضایتی جمعیت مسلمان آن روبه‌رو بوده است و این گسترش ناآرامی در مناطق مجاور و پیوسته به خاک هندوستان می‌تواند زمینه سرایت این امر را به داخل

خاک هند فراهم نماید. از طرف دیگر، محافل سیاسی پاکستان، با توجه به رقابت و خصومتی که با هندوستان دارند مترصد چنین موقعیتی می‌باشند تا جنگی محدود با رقیب خود داشته باشند و مسئله کشمیر را زنده نگه دارند. بنابر این، آنها بی‌میل نبوده‌اند تا عناصر ناراضی کشمیری در ایالت جامو و کشمیر هندوستان را به شورش و جهاد با دولت هند ترغیب نمایند. بنا به گفته مقامات هندی، مخالفان دولت هند در کشمیر از مرز می‌گذرند و در کمپهای نظامی در پاکستان آموزشهای لازم دریافت می‌کنند<sup>۱</sup> و آنگاه همراه با دیگر گروههای داوطلب، که از نقاط مختلف می‌باشند، در پناه آتش نیروهای پاکستانی یا به تنهایی به داخل کشمیر هندوستان و یا دیگر نقاط نفوذ می‌کنند و عملیات خرابکارانه و دهشت‌افکنانه انجام می‌دهند و امنیت اقلیت هندو و حتی مسلمانهایی را که با عملکرد آنها مخالف هستند به خطر می‌اندازند. پس از آوریل ۱۹۹۰، گروههای افراطی اقلیت هندو را تهدید به خروج از شهرهای منطقه کشمیر کردند.<sup>۲</sup> تهدید اقلیت هندو در دره کشمیر آنها را مجبور به ترک خانه، تجارت و کار خود کرده است و اسکان این آوارگان برای دولت هند یک مشکل بزرگ گردیده است و دولتهای وقت از حساسیت وضعیت آنها در صحنه داخلی سیاست هند، که اکثریت هندو خواهان رسیدگی به سرنوشت آنها هستند، آگاه می‌باشند.

مهم‌ترین گروههایی که درگیر فعالیتهای دهشت‌افکنانه در دره کشمیر هند می‌باشند عبارت‌اند از: حزب مجاهدین، حرکت الانصار یا جماعت الانصار، جیش محمد (خدام اسلام)، لشکر طیبیه (دعوت‌الارشاد)، حزب‌المجاهدین، حرکت‌المجاهدین، الامرالمجاهدین، جبهه اسلامی جامو و کشمیر، البدر، جماعت مجاهدین و دختران ملت. بنا به استناد مقامات هندی، بجز حزب مجاهدین که اکثریت اعضای آن کشمیری هستند بقیه، سازمانهای ذکر شده بیشتر اعضای‌شان پاکستانی می‌باشند که تحت قوانین

۱. در مورد عملکرد مجاهدین افغان در دره کشمیر و نقش سازمان اطلاعات ارتش پاکستان نگاه کنید به:

A.K. Ray, "Afghan Mujahideen and Terrorism in Kashmir" in *WWW.Kashmir - Information .com/Afghanistan/AKRay.html*.

2. K Warikoo, "Islamic Extremism: Challenge to Security in South Asia" *Strategic Analysis*, Vol. 30, No. 1, Jan-Mar 2006, 39.

جلوگیری از تروریسم هند مصوب سال ۲۰۰۰ فعالیت آنها ممنوع اعلام شده است.<sup>۱</sup> یکی از مقامات نظامی هند معتقد است که تروریسم که از سوی پاکستان حمایت می‌شود، موجب تهدید امنیت ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی، استقلال سیاسی، نهادهای اساسی سیاسی، نظام دموکراتیک هند، ارزشهای فرهنگی و ویژگی سکولار کشور هند می‌گردد و نیاز به یک استراتژی جامع جهت مقابله با آن می‌باشد.<sup>۲</sup>

بر اساس ارزیابیها و گزارشهای دولت هند، در ایالت جامو و کشمیر هندوستان بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴، ۳۴۰۰۰ نفر قربانی عملیات تروریستی شده‌اند که این آمار شامل افراد غیر نظامی، نظامی و خود تروریستها می‌باشد.<sup>۳</sup> علاوه بر عملیات فوق، هواپیما ربایی هواپیمای هند پرواز شماره IC-814 در دسامبر ۱۹۹۹ که به قندهار برده شد و در قبال آزادی مسافران افراد متعلق به گروههای تروریستی زندانی در هند درخواست گردید، حمله به مجلس ایالتی جامو و کشمیر در اکتبر ۲۰۰۱ و پارلمان هند در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ از دیگر موارد عملیات تروریستی بوده است که دولت هندوستان گروههای مسلمان افراطی و ملهم از اندیشه طالبان و سازمانهای اطلاعاتی پاکستان را در این امر دخیل می‌داند.<sup>۴</sup> این نفوذ عوامل تروریستی، که به تروریسم فرامرزی معروف است، تنش بین دو کشور را افزایش داد و منجر به جنگ محدود کارگیل در ماه مه ۱۹۹۹ گردید که دو قدرت اتمی را در آستانه یک جنگ تمام عیار و ویرانگر قرار داد. بنابراین، با توجه به بافت جمعیتی منطقه کشمیر، که دارای جمعیت مسلمان زیادی است، و اینکه هندوستان، در مجموع، دارای یک اقلیت مسلمان ۱۴۰ میلیون نفری است گسترش ناآرامیهای قومی، مذهبی و فرقه‌ای به هندوستان می‌تواند دارای پیامدهای سختی برای امنیت آن کشور باشد و بنیاد سیاسی - اجتماعی مردم هندوستان را که از

1. *Annual Report 2003-04*, Ministry of Home Affairs Government of India, 16.

2. N.S. Janwal, "Counter Terrorism Strategy" *Strategic Analysis*, Vol. 27, No 1, Jan-March 2003, 14 .

3. *Annual Report, op. cit*, 1.

4. Ashutosh Misra "The Problem of Kashmir and the Problems in Kashmir:

Divergence.Demands Convergence", *Strategic Analysis*, Vol. 29, No. 1, January-March 2005,

23-24.

تنوع قومی و مذهبی برخوردارند، متزلزل نماید و دولتمردان هند را با شورشهای قومی و مذهبی شدیدی روبه‌رو نماید.

بی‌ثباتی و تهدید امنیتی در ایالت جامو و کشمیر هندوستان هزینه سنگینی به دولت هند تحمیل نموده است به طوری که دولت هند ناچار است برای حفظ امنیت مرزها و جلوگیری از نفوذ تروریستهای فرامرزی که پاکستان آنها را نیروهای آزادیخواه می‌نامد، هزاران نفر از افراد ارتش، پلیس مرزی و نیروهای شبه‌نظامی در آن ایالت مستقر کند. علاوه بر این نفوذ این عناصر به دیگر ایالات هند که دارای مرز مشترک با پاکستان هستند از دیگر مسائلی است که دولت هند با آن روبه‌روست.

تبدیل افغانستان در دوره طالبان به مرکزی جهت تجمع گروههای اسلامی افراطی خطری برای امنیت و ثبات منطقه بوده است که دولت هند آن را برای امنیت خود حیاتی می‌داند. حضور اسامه بن لادن، گروه القاعده و دیگر داوطلبانی که از پاکستان تا الجزایر می‌آیند محلی برای آموزش گروههای افراطی و فعالیتهای دهشت‌افکنانه در جنوب و جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و اروپا و خطری بالقوه برای امنیت هند بوده است. به عقیده منابع هندی، گروه طالبان زیر نفوذ مستقیم پاکستان بوده اند و پاکستان را در موقعیتی برتر در برابر هند قرار می‌دهند و این موضوع به زیان هند بوده است. این تحول نه تنها باعث نگرانی هندوستان بوده بلکه دیگر کشورهای منطقه — مانند ایران، روسیه، ازبکستان و تاجیکستان — را نگران کرده است؛ زیرا بعضی از این کشورها در خاک خود با چالش گروههای اسلامی تندرو روبه‌رو هستند و در نتیجه بین آنان اجماعی در مخالفت با گروه طالبان به وجود آمد. برگزاری کنفرانس فوق‌العاده در تهران با حضور کشورهای فوق‌نشان‌دهنده نگرانی آنها از روی کار آمدن این گروه افراطی در افغانستان بوده است. ایران روی کار آمدن طالبان در افغانستان را توطئه‌ای از سوی ایالات متحده آمریکا جهت بد نام کردن اسلام راستین و سرکوب اقلیت شیعه در افغانستان می‌داند. در همین دوره بود که دیپلماتهای ایرانی در مزار شریف به دست نیروهای طالبان به قتل رسیدند و تنش شدیدی در روابط ایران و افغانستان به وجود آمد. علاوه بر تهدیدات امنیتی فوق، کشت گسترده خشخاش در افغانستان و صدور مواد مخدر و قاچاق اسلحه به کشورهای مجاور منبع بزرگ ناامنی برای تمام کشورهای

همسایه گردید. تجارت مواد مخدر، که در آمد چشمگیری برای جنگسالاران و گروه طالبان ایجاد کرده بود، با شدت بیشتری ادامه یافت و کشورهای مجاور افغانستان در آسیای مرکزی، ایران، پاکستان، و هندوستان به عنوان مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا و آمریکا مورد استفاده قرار گرفت؛ ضمن اینکه در این کشورها موجب به وجود آمدن مشکلات اجتماعی و امنیتی بسیاری گردید. بنا به گفته مقامات هندی، مقامات پاکستانی سالانه بین ۹۰ تا ۱۳۶ میلیون دلار از بابت کشت تریاک درآمد داشته‌اند که این مبلغ را عمدتاً صرف جنگ نیابتی با هند در جامو و کشمیر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### روی کار آمدن کرزای در افغانستان و اهداف و سیاست هند در این کشور

دوران پنج ساله حکومت طالبان در افغانستان دشواریهای بسیار سختی برای دولت هند در پی داشت. در حقیقت، گسترش بی سابقه نفوذ تروریستهای فرامرزی و بی ثباتی در دره کشمیر و سرزمین اصلی هند چالش برای دولت هند به وجود آورد. حمله به برجهای تجارت در نیویورک رویداد بسیار مهمی در روابط بین الملل بود که، در نهایت، ایالات متحده آمریکا را به خطر بزرگی که حکومت طالبان و گروههای افراطی گرد آمده در اطراف او به وجود آورده بود، آگاه کند. بی اعتنائی حکومت طالبان به قوانین و ضوابط بین المللی، قرائت متحجرانه آنها از اسلام، نقض آشکار حقوق بشر به توسط آنان، نقض گسترده حقوق زنان، کودکان و اقلیتهای مذهبی، گروههای حقوق بشر و فعالان مدنی را در آمریکا فعال کرد و آنها فشارهای خود را بر دولت کلینتون افزایش دادند. از طرفی دیگر، گزارشهای محرمانه سیا در مورد خطرات امنیتی تجمع گروههای تروریستی برای دولت آمریکا هشدارهای لازم را می داد. سرانجام، پس از وقوع حوادث یازدهم سپتامبر و نقش القاعده و حضور آنها در خاک افغانستان، دولت آمریکا تصمیم به حمله به افغانستان و سرنگونی حکومت طالبان گرفت. تحولات ذکر شده نقطه عطفی در منطقه بود که موجب سرنگونی طالبان و روی کار آمدن حکومت موقت کرزای و سپس انتخاب

1. Speech delivered by Foreign Secretary of India, on January 23, 2003 Mr. Kanwal Sibal, "Indian Foreign Policy: Challenge and Prospects" Graduate Institute of International Studies, Geneva.

او به عنوان رئیس‌جمهور رسمی افغانستان گردید. این رویداد دولت هند را در موقعیتی ویژه قرار داد و دولت تصمیم گرفت از فرصت پیش آمده بیشترین استفاده را ببرد و با حکومت جدید افغانستان روابط نزدیک برقرار کند. رهبران جدید افغان از گذشته دارای ارتباط نزدیک با هند بودند. حامد کرزای تحصیلات خود را در دانشگاه هیمچل پرادش، سیملانجام داده بود. افراد دیگری که در کابل دارای نفوذ بالایی بودند، ژنرال دوستم و عبدالله عبدالله از جبهه شمال بودند که از دوران حکومت طالبان روابط نزدیکی با هند داشتند. از سوی دیگر، با گرایش آمریکا به هند، که این کشور را شریک استراتژیک خود در موضوعات جهانی می‌داند<sup>۱</sup>، در مناسبات جدید بین‌المللی هند متحد آمریکا در جنگ با تروریسم که به عنوان یک سیاست مهم و محوری پس از حادثه یازدهم سپتامبر اعلام گردیده، می‌باشد. این امر زمینه مساعدی برای برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هند با افغانستان فراهم می‌نماید؛ به خصوص اینکه آمریکا ترجیح می‌دهد که افغانستان ارتباط کمتری با ایران، که کشور همجوار افغانستان است، داشته باشد. متقابلاً کرزای نیز خواهان تقویت موقعیت خود در صحنه سیاسی و کسب پشتیبانی هند می‌باشد.

پس از سرنگونی حکومت طالبان در افغانستان، هند مقرر دیپلماتیک خود را در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ بازگشایی نمود و در ۲۲ دسامبر همین سال آن را تا سطح سفارتخانه ارتقاء داد؛ و پس از مدتی کنسولگریهای هند در شهرهای جلال‌آباد، هرات، قندهار و مزار شریف بازگشایی گردید. هند در مذاکرات بن، که تحت نظر سازمان ملل متحد برگزار شد، شرکت نمود. این گفت‌وگوها منجر به «توافق بن» گردید. هند در جلسات متعدد جهت بازسازی و کمک به افغانستان در نیویورک، واشنگتن، اسلام‌آباد، بروکسل و توکیو شرکت نمود.<sup>۲</sup>

1. For detail, see the following articles:

- C. Uday Bhaskar, "India-US Ties for Radical Re-orientation", *Strategic Analysis* Vol. 29, No. 1, January-March 2005, 172-76 and C. Raja Mohan, "India and Balance of Power", *Foreign Affairs*, No. 4 July-August 2006, 17-29 and Sumit Ganguly, "India's Foreign Policy", *World Policy Journal*, Vol. 20, No. 4, Winter 2003/04, 41-47. "Grows Up", *World Policy Journal*, Vol. 20, No. 4, Winter 2003/04
2. *Annual Report 2001-2001*, Ministry of External Affairs Government of India. P. 1, retrieved from [www.meaindia.nic.in](http://www.meaindia.nic.in)



در گذشته، در نشستهای مشترکی که بین مقامات هندی و روسیه برگزار شده بود، دو کشور مواضع مشترک خود را در مخالفت با گروه طالبان و مشکلاتی که از مناطق تحت کنترل گروه طالبان دو کشور هند و روسیه را تهدید می‌کرد بیان کرده بودند؛<sup>۱</sup> و به طبع که سقوط حکومت طالبان مورد استقبال هند و روسیه قرار گرفت. بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت موقت، بازدیدهای متقابل مقامات هند و افغانستان از کشورهای یکدیگر آغاز گردید. در همین راستا، کرزای، دوستم، وزیر کشور وقت؛ یونس قانونی، وزیر امور خارجه؛ عبدالله عبدالله و وزیر دفاع، محمدقاسم فهیم سه ماه پس از تشکیل دولت موقت از هند دیدار کردند.<sup>۲</sup> در ملاقاتی که در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ بین عبدالله عبدالله و واجپای نخست‌وزیر هندوستان برگزار شد موضوعات وسیعی مورد بحث قرار گرفت از جمله تغییر ساختار خشک مذهبی که از دوران طالبان به جای مانده بود. همچنین عبدالله قول داد که شورای موقت حکومتی قانونی جهت آزادی عبادت برای اقلیتهای مذهبی تصویب شود. هند علاقه‌مند بود که اقلیت سیک مذهب هندی تبار حق آزادی عبادت را داشته باشند.<sup>۳</sup> دیدار عبدالله عبدالله و یونس قانونی، که از نزدیکان حامد کرزای هستند، نشانه این امر است که او به حمایت هندوستان چشم دوخته است. همچنین دیدار یونس قانونی از هند با هدف بررسی نظام حقوقی نهادهای برقرارکننده نظم و قانون بود. یونس قانونی از دولت هند تقاضا کرد که هند حمایت خود را از یک نیروی امنیتی ملی برای افغانستان ارائه دهد و، در این راستا، وزیر کشور هند اعلام کرد

←

در این نشستها دو طرف نگرانی خود را در مورد فعالیتهای جدایی طلبانه، مواد مخدر و ایدئولوژی بنیادگرایی اعلام کردند و توافق کردند که همکاری نزدیک خود را جهت مبارزه با نیروهای تروریستی و ایدئولوژی افراط‌گرایانه ناشی از مناطق تحت کنترل طالبان ادامه دهند.

1. *ibid.*

2. Agam Shah, "Dostum Has Multiple Aims on Visit to India," 2 February 2002, retrieved from <http://www.eurasianet.org/departments>.

3. Agam Shah "new Afghan Leadership Turns to India for Assistance", Eurasia Insight 14.12.2001, retrieved from <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav121401.shtml>

که عده‌ای از افسران ارشد پلیس خود را به عنوان مشاور جهت ایجاد یک نیروی امنیتی برای برقراری نظم و قانون می‌فرستد. هند همچنین، پس از بازگشایی سفارت خود در کابل هیئت پزشکی و درمانی خود را در بیمارستان ایندرا گاندی کابل، که روزانه به مداوای ۲۵۰ بیمار می‌پردازند، احیا نمود.<sup>۱</sup> همچنین یک شرکت هندی وسایل پزشکی گروهی را برای گذاشتن اعضای مصنوعی در بدن کسانی که دست یا پای خود را در انفجار مین از دست داده بودند روانه کابل کرد.

حامد کرزای رئیس جمهور افغانستان از نوامبر ۲۰۰۱ تا کنون (آوریل ۲۰۰۷) پنج سفر به هندوستان داشته است که این امر نشان‌دهنده روابط ویژه بین دهلی نو و کابل می‌باشد. بسیاری از مقامات و وزرای کابینه حامد کرزای نیز در مناسبت‌های مختلف به هندوستان سفر کرده‌اند. از طرف هندوستان وزیر امور خارجه وقت هند جاسوانت سینگ در دسامبر ۲۰۰۱ از کابل دیدن نمود و در مراسم افتتاحیه دولت موقت و ریاست حامد کرزای شرکت نمود. وزیر خارجه بعدی هند یاشوانت سینها نیز در سال ۲۰۰۲ از افغانستان دیدن کرد. وزیر خارجه بعدی هند ناتوار سینگ در ۱۵ فوریه ۲۰۰۵ از کابل دیدن کرد و بخش جراحی بیمارستان ایندرا گاندی کابل را تحویل مقامات افغانی داد. همچنین تأسیس یک مرکز تشخیص طبی نیز اعلام شد. یکی دیگر از ملاقات‌های مهم میان سران دو کشور دیدار دکتر مان موهان سینگ نخست‌وزیر کنونی هند از کابل در اوت ۲۰۰۵ می‌باشد. در این دیدار دو طرف تمایل مشترک خود را به تقویت روابط گذشته اعلام نمودند و نخست‌وزیر هند تعهد خود جهت کمک به توسعه اقتصادی افغانستان اعلام نمود. از آخرین رشته دیدارهای مقامات دو کشور نیز می‌توان به دیدار وزیر خارجه کنونی هند پرناب موکرگی در ژانویه ۲۰۰۷ اشاره نمود. در این دیدار دعوتنامه جهت شرکت در نشست سازمان منطقه‌ای سارک به افغانستان تحویل داده شد و از آوریل ۲۰۰۷ افغانستان رسماً به عنوان عضو این سازمان منطقه‌ای در آمده است. در همین دیدار بخش‌های جدیدی از بیمارستان ایندرا گاندی افتتاح و خیابان مجاور این بیمارستان به یادبود نخست‌وزیر سابق هند «خیابان ایندیرا گاندی» نامیده

1. ibid

شد.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که با عضویت افغانستان در سارک، هندوستان خواهان داشتن سهم فعالانه‌تری برای هر دو کشور در سیاستهای منطقه‌ای می‌باشد؛ به ویژه اینکه دو کشور در این اتحادیه می‌توانند در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع مشترک داشته باشند. یکی از حوزه‌های مهم همکاری می‌تواند مبارزه با گسترش مواد مخدر و تروریسم باشد که برای هر دو کشور دارای اهمیت فراوانی است.

دولت هند برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود دست به سرمایه‌گذاری خوبی نیز در افغانستان زده است. نخست‌وزیر هند وعده داد یکصد میلیون به کنفرانس کشورهای کمک‌کننده به افغانستان، که در ژانویه ۲۰۰۳ در توکیو تشکیل می‌شد و همچنین یک میلیون تن گندم به آوارگان افغانی کمک کند که این رقم اخیر در مراحل بعدی افزایش یافت و به ۶۰۰ میلیون دلار آمریکا رسید و ۵۰ میلیون دیگر در سفر حامد کرزای به هند افزایش یافت. در این سفر ضمن امضای یادداشتهای مختلف تفاهم، ۵۰۰ بورس تمام‌وقت و ۵۰۰ بورس کوتاه‌مدت به دانشجویان افغانی نیز اعطا گردید.<sup>۲</sup> در ادامه کمکهای اقتصادی هندوستان به افغانستان، در سفر وزیر خارجه هند پرناب موکرگی ۱۰۰ میلیون دیگر به تعهدات دولت هند نسبت افغانستان افزوده شد و رقم آن را به ۷۵۰ میلیون دلار رسید،<sup>۳</sup> که این رقم برای هندوستان که به طور سنتی جزو کشورهای عمده کمک‌کننده به افغانستان نبوده است قابل توجه است و نشان‌دهنده اهمیت است که هند برای این کشور قائل است. دولت هند، در راستای بازسازی افغانستان، در سال ۲۰۰۳ به شرح زیر به افغانستان کمکهایی کرد:<sup>۴</sup>

۱. اختصاص ۷۰ میلیون دلار جهت ساخت جاده زرنج - دلآرام (از جاده‌های مهم مواصلاتی افغانستان که این کشور را به ایران وصل می‌نماید)؛

1. For details: see information provided by the site of the Ministry of External Affairs of India in [www.meaindia.nic.in](http://www.meaindia.nic.in).

2. India-Afghanistan Joint Statement, State Visit of President Hamid Karzai to India.10 April. 2006 retrieved from [www.meaindia.nic.in](http://www.meaindia.nic.in).

3. See: information provided by the site of Ministry of External Affairs of India in [www.meaindia.nic.in](http://www.meaindia.nic.in).

4. Annual Report, January 2003 March 2004, 11-12.

۲. اهداء سه هواپیمای ایر باس به شرکت هوایی آریانا افغان و آموزش پرسنل افغانی و ارائه پشتیبانی و تعمیر و نگهداری به این هواپیماها؛
۳. اهداء ۲۷۴ اتوبوس به سرویس حمل نقل عمومی، ۱۰۱ وسیله نقلیه موتوری کاربردی (حمل زباله، آب‌پاش و آبرسان، بولدوزر) برای شهرداری کابل و ۳۰۰ وسیله نقلیه جهت ارتش ملی افغانستان؛
۴. بازسازی بیمارستان ایندرا گاندی و مدرسه حیبیه با ظرفیت ۱۳۰۰۰ دانش‌آموز؛
۵. آموزش فن‌آوران، دیپلماتها، معلمان، بانکداران، کارشناسان رایانه و دیگر نیروهای متخصص افغانی؛
۶. ساخت سردخانه ۵۰۰۰ تنی در قندهار؛
۷. تحویل بیسکویتهای غنی شده با پروتئین جهت تغذیه کودکان افغانی (تحت این برنامه یک میلیون کودک افغانی روزانه ۱۰۰ گرم بیسکویت غنی شده دریافت نمودند). بعضی از اقداماتی که دولت هند در سال ۲۰۰۴ در افغانستان انجام داده به شرح زیر است:<sup>۱</sup>
  ۱. تأمین بودجه جهت ساخت مجلس قانونگذاری افغانستان؛
  ۲. ادامه ساخت جاده زرنج دلآرام به طول ۲۱۸ کیلومتر؛ ( هندوستان چون از طریق پاکستان به افغانستان دسترسی ترانزیتی ندارد خواهان این است که از طریق ایران و جاده فوق به افغانستان دسترسی پیدا کند).
  ۳. بازسازی و اتمام سد سلما و پروژه تولید برق آن در استان هرات؛
  ۴. تأمین ۶۹ تن دارو و وسایل پزشکی برای کابل و مزار شریف، شبرغان، هرات و قندهار؛
  ۵. تأمین تجهیزات پزشکی و مدرنیزه کردن مرکز بهداشت کودکان بیمارستان ایندرا گاندی؛
  ۶. تأسیس چاپخانه پیشرفته و ساخت ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی و تکمیل بعضی از ایستگاههای موجود؛

1. Annual Report 2004-2005, Ministry of External Affairs, Government of India. 1-2 retrieved from [www.meaindia.nic.in](http://www.meaindia.nic.in).

۷. تأمین جوهر مرکب غیرقابل پاک شدن جهت علامتگذاری و برگزاری انتخابات؛  
 ۸. اعزام پنج کارشناس ارشد بانکداری برای بازسازی ساختار بانک ملی افغانستان.  
 در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ سطح روابط و تعاملات هند و افغانستان گسترش یافت.  
 در فوریه ۲۰۰۵ کرزای از هند بازدید نمود و متقابلاً مان موهان سینگ نخست‌وزیر هند  
 در ماه اوت از کابل دیدن نمود. در سفر کرزای به هند هشت وزیر کابینه او را همراهی  
 کردند و دو یادداشت تفاهم در مورد هواپیماهای کشوری غیرنظامی و وسایل ارتباط  
 جمعی و اطلاعات به امضا رسید.<sup>۱</sup> از جمله اقدامات مهم که از سوی دولت هند در سال  
 ۲۰۰۵ صورت گرفت می‌توان به ادامه کارهای عمرانی قبلی و بعضی از کارهای دیگر به  
 شرح زیر اشاره کرد:

۱. ساخت و اجرای دکلهای انتقال نیرو از پل خمی به کابل و قادر ساختن انتقال  
 نیرو از ازبکستان به کابل؛

۲. اعطای بورس تحصیلی به ۵۰۰ دانشجوی افغانی برای دوره‌های بلند مدت در  
 هندوستان و ۵۰۰ نفر بورسیه برای دوره‌های کوتاه‌مدت و ایجاد ظرفیت برای ۲۵۰ نفر  
 دیگر؛

۳. تأمین ۱۰۰۰ دستگاه چرخ خیاطی برای سازمانهای زنان در روستاهای افغانستان؛

۴. ایجاد امکانات و تکمیل ۱۰ ایستگاه رادیویی و تلویزیونی؛

۵. احیاء و بازسازی شبکه‌های ارتباطی در ۱۱ استان؛

۶. ساخت پارلمان جدید افغانستان با بودجه ۶۷ میلیون دلار که قرار است در سال  
 ۲۰۱۰ به اتمام برسد. بر طبق آمار ارائه شده از سوی وزارت امور خارجه هند، هم‌اکنون  
 هفت شرکت بزرگ از بخش دولتی با ۵۱ نفر پرسنل و نه شرکت از بخش خصوصی با  
 ۷۴۷ پرسنل در افغانستان به فعالیت مشغول‌اند.<sup>۲</sup>

با توجه با حضور گسترده هندوستان در کلیه عرصه‌های بازسازی و سازندگی در  
 افغانستان، این کشور اهداف سیاسی و اقتصادی وسیعی نیز در نظر دارد. هند، به عنوان

1. Annual Reports 2005-2006, Ministry of External Affairs, Government of India, 1-2, retrieved from [www.meaindia.nic.in](http://www.meaindia.nic.in).

2. Statement by Indian officials in Rjay Sahba retrieved from [www.idsa.in](http://www.idsa.in).

یکی از قدرتهای اقتصادی در حال ظهور، نیازمند بازارهای مصرف می‌باشد و طبیعی است که افغانستان می‌تواند بازار خوبی برای کالاهای هندی باشد. موضوع دیگر در روابط هند و افغانستان، دستیابی هند به منابع انرژی در آسیای مرکزی می‌باشد. هند برای توسعه اقتصاد و صنعت خود نیازمند به انرژی فراوانی است. اگرچه مذاکرات جدی این کشور با ایران و پاکستان در مورد خط لوله گاز طبیعی می‌باشد؛ اما هند مایل است منابع متنوع‌تری در اختیار داشته باشد و دستیابی به این منابع انرژی از طریق افغانستان میسر است که این امر برای هر دو کشور افغانستان و هند می‌تواند مفید باشد. موضوع دیگر مهار جریانهای افراطی است. ایجاد ثبات و آرامش در افغانستان می‌تواند مانع گسترش نیروهای افراطی در افغانستان و مناطق همجوار گردد. این امر زمینه‌ساز جلوگیری از جنبشهای افراطی به کشمیر هندوستان خواهد شد. در این راستا، دولت هند دارای اشتراک منافع با ایران می‌باشد زیرا این‌گونه جنبشها هم تهدیدی برای امنیت هندوستان می‌باشد و هم برای ایران.

هند سرمایه‌گذاری وسیعی جهت راه ترانزیتی بندر چابهار به زابل، زرنج و دلآرام نموده است. از این طریق، هند می‌خواهد موانعی که پاکستان در ارسال کالاهای هندی به افغانستان و ماوراء آن ایجاد کرده است برطرف سازد. اما تحولات درون افغانستان نگرانیهایی برای دولت هند پدید آورده است. قتل یکی از کارکنان پروژه راهسازی به دست نیروهای افراطی مرتبط با طالبان مشکلات هند را افزایش داده است. قبل از کشته شدن این شخص ربایندگان اخطار کردند که کلیه هندیهایی که شاغل در افغانستان می‌باشند باید ظرف ۲۴ ساعت افغانستان را ترک کنند. عده‌ای از ناظران هندی این اقدامات را مشکوک می‌دانند و دست رقبای خود را در این موضوع می‌بینند. علاوه بر این، با توجه به روی کار آمدن گروههای هوادار طالبان در ایالت مرزی و بلوچستان پاکستان و گسترش فعالیتهای تروریستی به افغانستان و شواهدی که حاکی از کمک بعضی از عناصر پاکستانی به گروه طالبان است، نگرانیهای زیادی در بین

مقامات هندی به وجود آمده است؛ و این موضوع را عده‌ای از کارشناسان مطرح می‌کنند که دولت هند نباید تمام شانس خود را در افغانستان با دولت حامد کرزای گره بزند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

سقوط حکومت طالبان تحول بسیار مثبتی در جهت منافع کشور هند بوده است. با سقوط این حکومت یکی از مؤلفه‌هایی که باعث بی‌ثباتی در حریم امنیتی‌اش می‌شد از بین رفت و دولت هند تصمیم گرفته است از فرصت پیش‌آمده حداکثر استفاده را ببرد و با درگیر کردن کشور افغانستان با همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، بازرگانی و فنی روابط عمیق و همه‌جانبه‌ای را پی‌ریزی نماید و با اتحاد و همکاری با کشورهای دیگری که دارای دیدگاه مشترک در مورد افغانستان هستند از رشد نیروهای افراطی، که به زیان آن کشور هستند، در افغانستان جلوگیری نماید. اما دولت هند به علت نداشتن مرز مشترک با افغانستان از اهرم‌های کمتری برخوردار است. رشد و تجدید فعالیت گروه طالبان و ناتوانی دولت مرکزی و ناتو در برقراری نظم و امنیت در افغانستان نگرانی‌های زیادی در بین مقامات هند برانگیخته است. به طور قطع، برقراری ثبات و امنیت اثرات مثبتی برای کشور هند خواهد داشت و این کشور خواهد توانست در راستای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود در منطقه وسیع آسیای مرکزی موفقیت کسب نماید. دسترسی به منابع جدید و متنوع انرژی و نفت و گاز و راه‌های ترانزیتی جهت رسیدن به آسیای مرکزی از اهداف مهم هند می‌باشد.

---

1. For details see: workshop on "Recent Developments in Afghanistan", Institute for Defence Studies and Analysis, New Delhi, 3 July 2006, retrieved from [www.idsa.in](http://www.idsa.in).

